دربارهٔ آمریکا

ادوارد آر. مارو

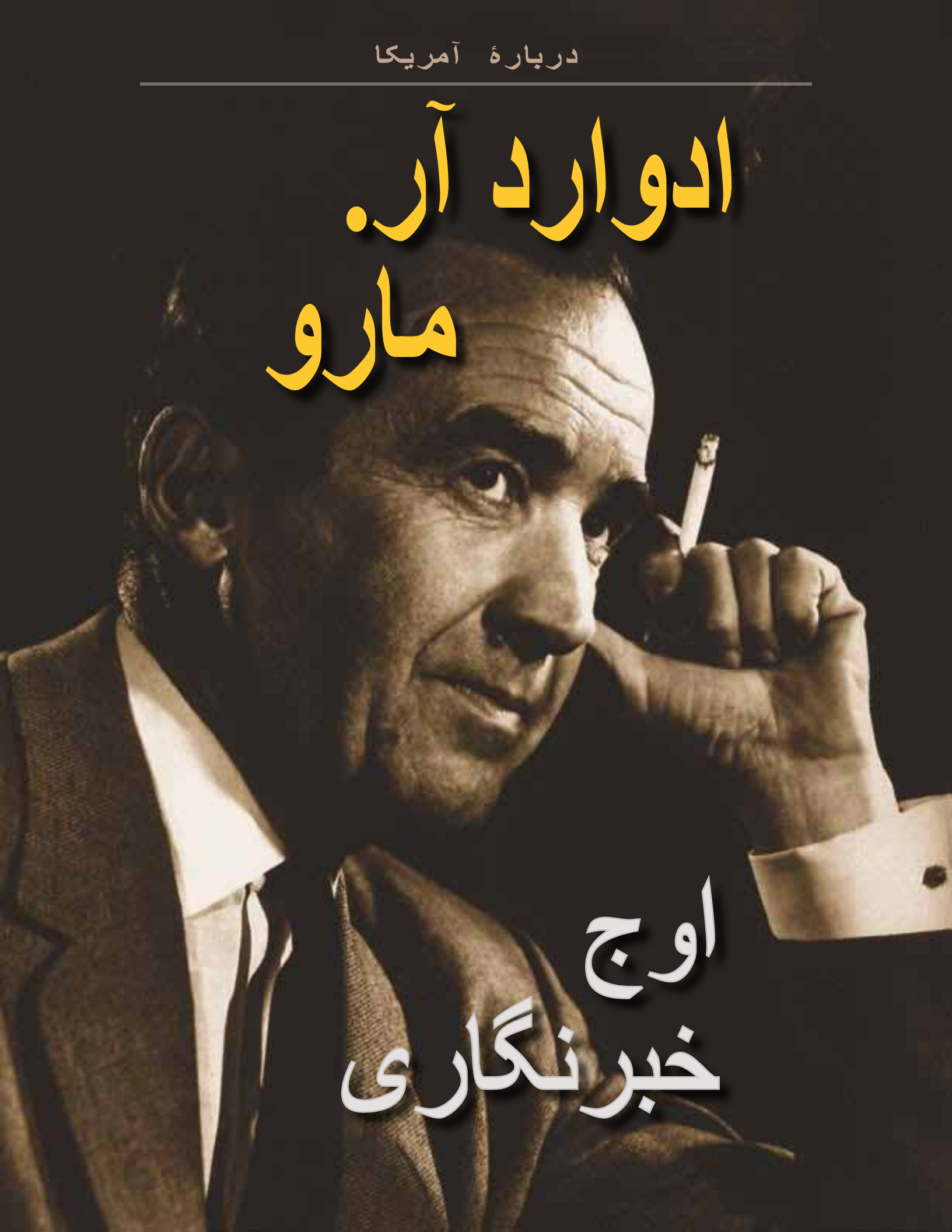

اوج خبرنگاری

فهرست مطالب

ادوارد آر. مارو: زندگی ۱

پاسدار آزادی: مطبوعات در ایالات متحده ٤

مارو، پایه گذار پخش گزارش‌های خبری در آمریکا ۷

به کار گرفتن رسانه‌های جدید برای تهیهٔ گزارش‌های وزین ۱۰

مارو در مقابل مک کارتی : «حالا ببینید» ۱۳

میراث مارو ۱٦

کتاب شناسی: ادوار آر. مارو ۱۷

Photo Credits:

Front cover: © CBS News Archive
Page 1: CBS, Inc., AP/WWP.
2: top left & right, Digital Collections and Archives, Tufts University; bottom, AP/WWP.
4: Louis Lanzano, AP/WWP.
5 : left, North Wind Picture Archives; right, Tim Roske, AP/WWP.
7: Digital Collections and Archives, Tufts University.
8: top left, U.S. Information Agency, AP/WWP; right, AP/WWP; bottom left, Digital Collections and Archives, Tufts University.
10: Digital Collections and Archives, Tufts University.
11: left, Library of American Broadcasting, University of Maryland; right, Digital Collections and Archives, Tufts University.
12: Joe Barrentine, AP/WWP.
13: Digital Collections and Archives, Tufts University.
14: top, Time Life Pictures/Getty Images; bottom, AP/WWP.

Executive Editor: **George Clack**
Managing Editor: **Mildred Solá Neely**
Art Director/Design: **Min-Chih Yao**
Contributing editors: **Chris Larson, Chandley McDonald**
Photo Research: **Ann Monroe Jacobs**
Reference Specialist: **Anita N. Green**

ادوارد آر. مارو: زندگی

نوشتهٔ مارک بتکا

در یک شب خنک ماه سپتامبر، در مکانی در آمریکای سال ۱۹٤۰، خانواده ای، دور رادیویی لامپی گرد آمده اند. یکی از آنها رادیو را تنظیم می کند و صدایی که از دور دست به گوش می رسد با لحن جدی می گوید: «این جا ... لندن است.» و به این ترتیب، گزارش دست اول و میخکوب کننده ای از حملهٔ هوایی به لندن، بمباران کامل توسط نیروی هوایی آلمان در جنگ جهانی دوم، آغاز می شود.

پشت میکروفون، و هزاران مایل دورتر از ایالات متحده، بر بالای یکی از پشت بام‌های لندن، خبرنگار جوانی به نام ادوارد آر. مارو نشسته است. مارو با این برنامه و سایر برنامه‌های خبری که در زمان جنگ پخش شد، در صف اول افرادی قرار گرفت که برای گزارش‌های خبری از رادیو استفاده کردند، او تقریباً به تنهایی پایه گذار پخش گزارش‌های خبری بود.

وجهه و اعتبار ادوارد آر. مارو، به عنوان یکی از برجسته ترین خبرنگاران آمریکا، تامدت‌های مدید بعد از مرگش در ۵۷ سالگی و بر اثر سرطان ریه، گرامی داشته شد. مارو شنوندگان رادیویی آمریکا – و بعدها هم بینندگان تلویزیون را با اخباری که با گویندگی او به نظر زنده می رسید، به گوش فرا دادن به رادیو جلب می کرد؛ او وحشت جنگ را در جبهه و بیرون از جبهه توصیف می نمود؛ او یکی از اعضای بانفوذ کنگره را درست در میان «وحشت از سرخ ها» سال‌های ۱۹۵۰، به چالش کشید؛ و نزدیک به اواخر عمرش، رییس جمهور ایالات متحده از او خواست تا با رهبری تلاش‌های کشور، «داستان آمریکا را برای جهانیان بازگو کند».

ادوارد آر. مارو نتایج انتخاباتی را در شب انتخابات ۷ نوامبر ۱۹۵٦، برای تلویزیون سی بی اِس اعلام می‌کند. مارو در یک خانواده کشاورز فقیر به دنیا آمد و به یکی از معروفترین روزنامه نگاران آمریکا تبدیل شد.

از پولکت کریک تا لندن

مارو در سال ۱۹۰۸ در پولکت کریک، کارولینای شمالی متولد شد. او در خانواده ای کشاورز که از کویکرها بودند، پرورش یافت –نام گروه مذهبی که رسما به عنوان انجمن مذهبی یاران شناخته می شد. هنگامی که او کودکی بیش نبود، خانواده اش به ایالت واشنگتن نقل مکان کردند، مکانی که او در آنجا بزرگ شد و بعد برای تحصیل به دانشگاه ایالتی واشنگتن وارد شد و رشتهٔ سخنوری را انتخاب کرد. او بعد از فارغ التحصیلی، برای ادارهٔ دفتر سراسری فدراسیون ملی دانشجویان آمریکا، در سال ۱۹۳۰ به شهر نیویورک رفت. او در سال ۱۹۳۲

«تصور من همیشه این بوده است که هنر واقعی در این حرفه، انتقال اطلاعات، رهنمودها یا سیاست‌ها به مسافت ۵ یا ۱۰,۰۰۰ مایلی نیست. این کار، یک کار الکترونیکی است. هنر واقعی این است که این اطلاعات را به صورت گفتگویی نزدیک و رو در رو ارائه دهید.»

- ادوارد آر. مارو، برنامهٔ «پرسش ها و پاسخ‌ها» در تلویزیون اِی بی سی، ٤ اوت ١٩٦٣.

تصویر مارو در زمان فارغ التحصیلی از کالج ایالتی واشنگتن در سال ۱۹۳۰

پرزیدنت جان اف کندی (در وسط) به مارو خوشامد می‌گوید، پسر مارو چارلز کیسی، و همسرش جانت، در روزی که گویندهٔ تلویزیون سی بی اِس به عنوان رئیس آژانس اطلاعات آمریکا سوگند یاد می‌کند.

مارو، سمت چپ، جایزهٔ سال ١٩٥٦ اِمی را به خاطر بهترین تفسیر خبری از آن خود کرد. همراه با او دیگر برندگان، نانت فابرای، سید سیزار، فیل سیلورز حضور دارند. مارو علاوه بر ۹ جایزهٔ اِمی که به خاطر موفقیت‌های گویندگی‌اش دریافت کرد، نشان آزادی ریاست جمهوری را نیز در سال ١٩٦٤ به دست آورد.

به معاونت مؤسسهٔ تحصیلات بین الملل انتخاب شد، گروهی غیر انتفاعی که برگزار کننده کنفرانس‌های دانشجویی در سراسر جهان بود. او در سال ۱۹۳۴ با جانت‌هانتینگتون بروستر ازدواج کرد و آنها دارای یک فرزند پسر شدند. در سال ۱۹۳۵، شبکهٔ رادیو و تلویزیونی کلمبیا (CBS) او را به عنوان رییس «مصاحبه و آموزش» استخدام نمود.

در سال ۱۹۳۷، CBS تصمیم گرفت مارو را به اروپا بفرستد تا از تنش‌های فزاینده ای که در اروپا جریان داشت، گزارش تهیه کند. با آغاز جنگ، مارو مناسب دید که کادری از خبرنگاران باتجربه تشکیل دهد تا وقایع جنگ را پوشش دهند – گروهی که همیشه تحت عنوان «برو بچه‌های مارو» شناخته می‌شد. هنگامی که جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ آغاز شد، مارو و «بروبچه‌هایش» برای گزارش یکی از بزرگترین اتفاقاتی که جهان به خود دیده است، آماده بودند.

جنگ: گزارشی دست اول

گزارش‌هایی که مارو از روی آن پشت بام‌ها در لندن و در زمان غرش جنگ‌های هوایی مخابره کرد موجب شد که نام و صدای او در آمریکا کاملاً شناخته شود. هنگامی که او همراه با هواپیماهای آمریکایی در مأموریت‌های بمب افکنی بر فراز شهرهای اروپا پرواز می‌کرد، و زندگی خود را برای این که هر چه بهتر احساس حضور در جنگ و کار خطیر سربازان آمریکایی را به شنوندگان آمریکایی منتقل کند، به خطر می‌انداخت، به حرفهٔ خبرنگاری اعتبار خاصی بخشید. اما گزارش او از اردوگاه کار اجباری بوخنوالد در آلمان، تاریک ترین تصویر جنگ و وحشت ناگفتنی قتل عام در مقیاس صنعتی بود:

دو ردیف جسد، مانند تکه‌های هیزم، روی هم انباشته شده بود. این اجساد لاغر و خیلی سفید بودند. ... بعضی از اجساد کبودی‌های زیادی بر روی تن آنها دیده می‌شد، هرچند آن قدر گوشت نداشتند که بتواند کبود شود. برخی از آنها به سرشان شلیک شده بود، اما خونریزی چندانی نداشتند. همه به غیر از دو جسد برهنه بودند. من تا جایی که می‌توانستم سعی کردم آنها را بشمارم و بالاخره به این نتیجه رسیدم که بیش از ۵۰۰ جسد مرد و پسر بچه روی هم انباشته شده بود.

سال‌ها بعد، مصاحبه ای که از سوی نیمن ریپورتس منتشر شد، دوست مارو و یکی از تهیه کنندگان CBS، فرد و. فرندلی، گزارش ۲۴ دقیقه ای او را از اردوگاه‌های آزاد شدهٔ نازی به یاد آورد: «مارو ... به دنبال لشکر سوم به درون اردوگاه بوخنوالد می‌رود، و آن چه شما می‌دانید را در آن جا می‌بیند، او عمیقاً متأثر، افسرده، و خشمگین بود. خشم او مهمترین سلاحش بود، اما او خوب می‌دانست چگونه آن را کنترل کند. ... فکر نمی‌کنم شنیده باشم که از صفتی استفاده کند، از بیان صفت، خبری نبود. مردم به شکل ردیف‌های هیزم روی هم چیده شده بودند، و چه بویی. بدون این که بگوید استفراغ کرده است، می‌دانید که این کار را کرد. ... مارو فضایلی داشت و هدفش را به طور جدی دنبال می‌کرد، او آگاه بود که نمایندهٔ وجدان آمریکایی‌ها است.»

مارو و پخش برنامه‌های تلویزیونی

بعد از اتمام جنگ، مارو به ایالات متحده بازگشت و با فرندلی در برنامهٔ رادیویی او موسوم به «حالا بشنوید» به کار مشغول شد. در سال ۱۹۵۴، این برنامه تبدیل به یک برنامهٔ خبری و از تلویزیون پخش شد و نام آن به «حالا ببینید» تغییر یافت.

در یک مورد، مارو از این برنامه برای تأکید و بحث درمورد تصمیم سال ۱۹۵۳ نیروی هوایی آمریکا استفاده نمود؛ موضوع از این قرار بود که نیروی هوایی تصمیم به اخراج یکی از افسران گرفته بود و این کار بر مبنای مشکوک بودن خویشان او به طرفداری از عقاید کمونیسم یا سازمان‌های کمونیستی بود. نیروی هوایی متعاقباً از تصمیم خود منصرف گشت. برنامهٔ «حالا ببینید» ابزار رویارویی مارو نیز بود، به طوری که سناتور جوزف مک کارتی از ویسکانسین را نیز به چالش کشید.

یکی دیگر از برنامه‌های مارو، «گزارش‌های CBS»، برنامه ای با عنوان «خرمن شرم» را پخش کرد، گزارشی انتقادی از چگونگی رفتار با کارگران مهاجر در ایالات متحده. اینها و برنامه‌های دیگر او چندین جایزهٔ امی برای او به ارمغان آوردند، یعنی جایزه ای که به موفق ترین برنامه‌های تلویزیون تعلق می‌گیرد.

ندای وظیفه: دیپلماسی عمومی و «نگاه نزدیک»

بعد از این که CBS به دلیل از دست دادن صبر خود در برابر مخالفت‌ها، برنامهٔ «حالا ببینید» را تعطیل کرد، مارو از این رسانه مأیوس شد. او تا سال ۱۹۶۱ همکاری خود را با CBS ادامه داد، و در آن سال، پرزیدنت جان اف. کندی او را به ریاست آژانس خبری آمریکا (USIA) منصوب کرد. از سال ۱۹۵۳، USIA، آژانس دولت آمریکا، با راه انداختن «جنگ عقیدتی» علیه اتحاد جماهیر شوروی، متهم شده بود که از طریق مبادلات فرهنگی، کتاب‌ها و نشریه‌ها، برنامه‌های رادیویی صدای آمریکا و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی که از سوی سفارت‌های آمریکا در سراسر جهان اداره می‌شد، برای آمریکا تبلیغ کرده است.

هدف مارو این بود که بر نتایج کاری آژانس تأکید بیشتری کرده و بکوشد تا USIA را احیا، از کنگره درخواست بودجه کرده و مقامات آن را علاوه بر انتشار اطلاعات، تشویق به داشتن نقش متقاعد کننده نماید. دوران تصدی مارو در زمانی که سکان دار USIA بود، با رویدادهای مهمی در دههٔ ۱۹۶۰ تلاقی یافت، مانند از سرگیری آزمایش‌های هسته ای شوروی، بحران موشکی کوبا، و کشته شدن کندی. طولی نکشید که بعد از مرگ کندی، مارو که بعد از عمل جراحی سرطان بیمار بود، USIA را ترک کرد. او در ۲۷ آوریل ۱۹۶۵ در نیویورک بدرود حیات گفت.

مارک بکتا عضو هیئت تحریریه در دفتر برنامه‌های اطلاعات بین المللی وزارت خارجهٔ آمریکا است.

پاسدار آزادی: مطبوعات در ایالات متحده

نوشتهٔ وینس کراولی

متن‌های اصلی برنامه‌های رادیویی که مارو نوشته است بخشی از مجموعهٔ مرکز ادوارد آر. مارو در دانشگاه تافتس را تشکیل می‌دهد.

هنگامی که ادوارد آر. مارو در برنامهٔ به یاد ماندنی خود به حملات شخصی سناتور جوزف مک کارتی اشاره نمود، این پیش کسوت پخش برنامه‌های اخبار تلویزیون، با دو سده حمایت از آزادی مطبوعات، هم صدا گردید. بازپرسی‌های مک کارتی از افرادی که مشکوک به طرفداری از کمونیسم یا عضویت در آن بودند – که مخالفان او این کار را «شکار جادوگران» [بگیر و ببند] می‌خواندند – به فضایی از ترس دامن می‌زد، و مارو و دیگران احساس کردند خطری جدی آزادی‌های مدنی را تهدید می‌کند.

پیشینه و قانون حمایت از آزادی مطبوعات

پروندهٔ جان پیتر زنگر در سال ۱۷۳۵ تعیین کنندهٔ پیشینهٔ آزادی مطبوعات در آمریکا، و پاسداری از آن در برابر دولت ظالم بود. در این پرونده، هیئت منصفهٔ مستعمرات، سنت قانون انگلستان مبنی بر این که چاپ هر انتقادی از دولت – از جمله انتقاد واقعی و سازنده – که موجب نا آرامی‌های عمومی گردد، افترا و جرم محسوب می‌شود را زیر پا گذارد. هیئت منصفه تصمیم گرفت که زنگر، صاحب چاپخانه، نباید متهم به افترا شود زیرا انتقاد روزنامه وی از دولت انگلستان، صرفاً بیان حقایق بود. به این ترتیب، گفتن حقایق دفاعیه ای قانونی در مقابل اتهام به افترا محسوب شد و متعاقباً بخشی از اساس قانون افترا در آمریکا شد.

یکی از عوامل آغاز جنگ انقلابی آمریکا مصوبهٔ مطبوعات سال ۱۷۶۵ بود که قصد داشت با بستن مالیات زیاد به مطبوعات مستقل، آنها را از دور خارج کند. در عصری که انتقال اخبار به سرعت حرکت اسب‌ها و کشتی‌ها بود، و مردم عقایدشان را تا جایی که صدایشان اجازه می‌داد می‌توانستند به گوش همگان برسانند، روزنامه‌ها اولین راهی بودند که انقلابیون و سلطنت طلبان می‌توانستند از طریق آن پیام خود را به مخاطبان برسانند.

«کنگره قانونی را تصویب نمی‌کند ...که محدود کنندهٔ آزادی بیان یا آزادی مطبوعات باشد.» اولین متمم قانون اساسی آمریکا (۱۷۹۱)، در عین سادگی خود، برای یکی از بنیادی ترین اعتقادات یک ملت حرمت قائل می‌شود: اهمیت مطبوعات در پرورش و حمایت از یک دولت دموکرات. تا به امروز، در ایالات متحده و سایر کشورهای دموکرات، به این اعتقادات عمل شده است: مطبوعات آزاد و مستقل، تأمین کنندهٔ اطلاعاتی هستند که مردم با دراختیار داشتن آن می‌توانند نقش فعال در دولت و زندگی کشور خود داشته باشند، و مردم برای ابراز عقاید خود و انتشار انتقادات از دولت خود، باید از آزادی بیان برخوردار باشند.

اولین متمم قانون اساسی، خود نتیجهٔ مباحثات سیاسی طولانی در روزنامه‌ها بود، و نویسندگان آن دقیقاً می‌دانستند از کدام آزادی‌ها صحبت به میان می‌آید. مطبوعات زمان آنها تعصب آمیز، سرسپرده، و پر از حملات رذیلانهٔ شخصی بود.

«ما خود را به عنوان مدافعان آزادی در خارج از کشور اعلام می‌کنیم – که در واقع نیز چنین است- اما نمی‌توانیم با بی توجهی به آزادی در کشور خود، از آن در کشورهای دیگر دفاع کنیم».

- ادوارد آر. مارو، برنامهٔ « حالا ببینید» تلویزیون سی بی اِس، ۹ مارس ۱۹۵٤.

این تصویر، دفاع آندرو همليتون، وکیل برجسته دوران مستعمراتی را از جان پیتر زنگر، صاحب چاپخانه در سال ۱۷۳۵ نشان می دهد.

شبکه‌های تلویزیونی در آمریکا که در مالکیت اِی بی سی، سی بی اِس و اِن بی سی بودند از سال ۱۹۴۸ فعالیت منظم خود را آغاز کردند. این شبکه‌ها تقریباً ۹۰ درصد از تماشاگران تلویزیون را در طول چندین دهه تحت کنترل خود داشتند اما به سبب ظهور فناوری‌های جدید- از قبیل اینترنت- در ۲۰ سال گذشته مخاطبان خود را از دست داده اند.

جهت گیری سیاسی، از واشنگتن تا لینکلن

«هر کس که با ما نیست علیه ماست»، این عبارتی بود که در بالای صفحهٔ اول روزنامهٔ رسمی ایالات متحده به چاپ رسیده بود، که از اولین رییس جمهور، جورج واشنگتن (۹۷-۱۷۸۹) حمایت می‌کرد. در این روزنامه اعلام شده بود که مأموریت آن رویارویی با «جنون حاد» افرادی است که از خط مشی دولت انتقاد می‌کنند، از جمله «سیاستمدارانی» مانند توماس جفرسون.

به گفتهٔ پروفسور جفری آر. استون، استاد اولین متمم در دانشگاه شیکاگو، که کتاب او با عنون روزگار پرخطر در سال ۲۰۰٤ منتشرشد و به طور مشروح به تاریخ آزادی بیان در آمریکا در زمان جنگ می‌پردازد، می گوید مخالفان، روزنامه‌های خودشان را منتشر می‌کردند، و می‌نوشتند که پرزیدنت واشنگتن «در سرخوشی‌های نواستبدادی است»، و او را به «سربازی بی لیاقت» متهم می‌کردند.

توماس جفرسون از حامیان سر سخت آزادی مطبوعات بود، اما با خود روزنامه‌ها سرسازگاری نداشت و مرتب خواستار ایجاد اصلاحات درمطبوعات و چاپ گزارش‌های سنجیده بود. جفرسون یک بار نوشت»، اگر تصمیم گیری

دربارهٔ این که باید دولتی بدون مطبوعات داشته باشیم، یا مطبوعاتی بدون دولت را به عهدهٔ من می‌گذاشتند، بدون لحظه ای تردید، دومی را انتخاب می‌کردم. اما این را هم گفته است که، « من وضعیت اسفبار روزنامه‌هایمان، و پستی، ابتذال، و روحیهٔ سرشار از دروغی که نویسندگان آنها دارند را تقبیح می‌کنم.»

ده‌ها سال بعد، جهت گیری‌های سیاسی در طول جنگ‌های داخلی منجر به حملات انتقاد آمیز مطبوعات به پرزیدنت آبراهام لینکلن گردید. در سال ۱۸۶۳، در سرمقاله ای در شیکاگو تایمز، آمده بود که سربازان اتحادیه از این کار حماقت آمیز خشمگین هستند که آنها را مجبور به کشتن برای اهدافی می‌کند که آنها علاقه ای به آن ندارند. وقتی یکی از ژنرال‌های عصبانی اتحادیه این روزنامه را تعطیل کرد، لینکلن دستور بازگشایی آن را صادر کرد.

دولت و مطبوعات

قوانین آمریکا تا به حال دوبار قصد محدود کردن آزادی مطبوعات را داشته اند. مصوبهٔ ایجاد اغتشاش در سال ۱۷۹۸ در زمان ریاست جمهوری جان آدامز به تصویب رسید، زمانی که کشور در آستانهٔ جنگ با فرانسه قرار داشت. این مصوبه برای محدود نمودن روزنامه‌های مخالف تصویب گردید اما دارای زمان انقضا بود که سر رسید آن، هنگام انتخاب جفرسون در سال ۱۸۸۰ به پایان رسید.

مصوبهٔ ایجاد اغتشاش سال ۱۹۱۸، در زمان جنگ جهانی اول به تصویب رسید و نشر نوشته‌های دروغ، جنجال برانگیز، و مغرضانه علیه دولت آمریکا و کنگره را ممنوع می‌کرد. این مصوبه در سال ۱۹۲۱ لغو گردید. یکی از قوانین توأم آن، مصوبهٔ جاسوسی سال ۱۹۱۷ هنوز به قوت خود باقیست و طبق آن، مداخله در امور نظامی و کمک به دشمنان ایالات متحده غیر قانونی اعلام شده است. در طول جنگ جهانی اول، وزیر پست و تلگراف با برداشت وسیع تری از این قانون، ارسال روزنامه‌های مخالف جنگ از طریق پست را ممنوع اعلام کرد.

در سال ۱۹۷۱، در زمان جنگ ویتنام، دولت آمریکا بر مبنای امنیت ملی، موفق به دریافت حکمی از سوی دادگاه فدرال برای متوقف کردن انتشار اسناد پنتاگون از سوی نیویورک تایمز گردید. این مدارک را وزارت دفاع تهیه کرده و حاوی تحلیل تاریخ درگیری آمریکا در ویتنام بود و از جمله اسرار محرمانه محسوب می‌شد.

هنگامی که واشنگتن پست به انتشار همان اسناد پرداخت، یکی از قضات متعلق به یک حوزهٔ قضایی متفاوت، از جلوگیری از انتشار آن سر باز زد. بعد از تنها چند روز، این پرونده تسلیم دیوان عالی گشت، و به روزنامه‌ها رأی موافق داده شد. دیوان عالی به این نتیجه رسیده بود که اولین متمم قانون اساسی، متضمن آزادی بیان و به این معنی بود که دولت حق محدود نمودن مطبوعات را در مورد آن چه منتشر می‌کردند، نداشت.

امروز، در حالی که مقامات دولت گاهی تلاش می‌کنند بعضی اطلاعات حساس به مطبوعات راه پیدا نکند، اما برای روزنامه‌ها و رسانه‌های سراسری محدودیت قانونی در زمینهٔ امنیت ملی وجود ندارد. معمولاً افرادی که از خارج برای دیدن کشور می‌آیند تعجب می‌کنند که حدود ۱۰۰ خبرنگار معتبر به آزادی و بدون داشتن هیچ گونه محافظ همراه حتی در زمان جنگ، برای کسب خبر در راهروهای پنتاگون در رفت و آمد هستند.

خبرنگاری نوین و پخش آن از طریق رادیو و تلویزیون در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آغاز و در دههٔ ۱۹۵۰، زمانی که تلویزیون برای اغلب مردم آمریکا به عنوان اولین منبع خبری، گوی سبقت را از روزنامه‌ها ربود، پخته شد. مجوزهایی که دولت به ایستگاه‌های تلویزیونی می‌داد، مشروط به تهیهٔ گزارش‌های عادلانه و سنجیده، بر اساس دکترین بی طرفی بود. گزارش ۹ مارس ۱۹۵٤ مارو دربارهٔ مک کارتی چنین تأثیری داشت، زیرا شکل استاندارد بازگویی قضیه از سوی دوطرف را شکست و صرفاً به تاکتیک‌های مک کارتی توجه داشت. مک کارتی بعداً در مورد برنامهٔ مارو چنین پاسخ داد: کسانی که آن را دیدند فکر کردند او ناراحت است و این کمکی به پیشبرد ادعایش نکرد. این برنامه، قدرت تلویزیون را هم نشان داد. بسیاری از روزنامه‌ها تاکتیک‌های مک کارتی را مطرح ساخته و آن را زیر سئوال می‌بردند، اما برنامهٔ «حالا ببینید» مارو در ۹ مارس بود که اقدامات مک کارتی را به اتاق نشیمن خانواده‌های آمریکایی کشاند.

مارو در سال ۱۹۵۸، و با تأکید بر اعتقادش به نهادهای دموکراتیک، به نیویورک هرالد تریبون اظهار داشت، باید به یاد داشته باشیم آزادی مطبوعات از هر چیزی ضروری تر است. بسیاری از ما احساس می‌کنند بدون وجود مطبوعات، آزاد نیستند، و به همین دلیل است که ما اصرار داریم مطبوعات آزاد باشند.»

وینس کراولی یکی از اعضای هیئت تحریریه در دفتر اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجهٔ آمریکا است.

مارو:
پایه گذار پخش گزارش‌های خبری در آمریکا

نوشتهٔ باب ادواردز

برنامهٔ "حالا ببینید" شخص مارو در سال ۱۹۵۳ به سنگرهای جنگ می‌رود تا با تفنگداران دریایی که در جنگ کره در حال مبارزه هستند مصاحبه کند.

روزی که اد مارو بدرود حیات گفت، اریک سوارید (گزارشگر CBS و یکی از «برو بچه‌های مارو») رفیق دیرین و همکار خود در «اخبار شبانگاهی CBS» را ستود. او دربارهٔ مارو گفت، « او یک شهاب ثاقب بود و ما نظیر او را هرگز نخواهیم دید». این گفته هم برای گرامی داشت او و هم یک پیش گویی محتاطانه بود.

بنیانگذار فقط یک بار مطرح می‌شود. دستاوردهای مارو نمی‌توانند نسخهٔ دومی داشته باشند زیرا او بر روی یک صفحهٔ سفید می‌نوشت. او تنها در یک روز، در سال ۱۹۳۸، پیشگام در شبکهٔ خارج از کشور، کارکنان گزارش دهنده و جمع بندی اخبار بود، او خود را نیز به یک شخصیت تازه مبدل نمود، او یک مأمور اجرایی ساده را به یک گزارشگر خارجی تبدیل نمود. بعد در سال ۱۹۵۱، او تلویزیون را فراتر از ایفای نقش تنها به عنوان پخش سر خط خبرها تبدیل نمود، و آن را به منزلهٔ یک منبع خبری تثبیت کرد، نه رسانه ای که صرفاً به بازگویی عناوین خبری روزنامه‌ها اشتغال داشته باشد. او برای پخش برنامه‌های خبری مجموعه ای از استانداردها را در نظر گرفت که با استانداردهای بهترین روزنامه‌ها، درمورد خبرهایی که باید پوشش داده می‌شد، و چگونگی پوشش دادن آنها، انطباق داشت. او از کار نمایش، فضایی مناسب برای پژوهش‌های جدی و بحث پیرامون سیاست عمومی به وجود آورد. هر چند او خوب می‌دانست چگونه باید مردم را سرگرم کرد، همان طور که از موفقیت برنامهٔ «رو در رو» (برنامهٔ تلویزیونی او شامل مصاحبه با افراد سرشناس) پیداست، او اصرار داشت بُعد سرگرمی را وارد گزارش و پخش اخبار نکند.

اگر منظور سوارید این بود که ما فردی مشابه مارو را هرگز نخواهیم داشت، پیش گویی او هنوز هم کاملاً درست است. همهٔ ما افرادی را می‌شناسیم که دارای یک یا دو خصوصیت مانند مارو هستند، اما کسی صاحب همهٔ آنها و به اندازهٔ مارو، نیست. او تجسّم رویای آمریکا بود. او در میان کشاورزان تنگدست پولکت کریک، کارولینای شمالی به دنیا آمد، و در میان کارگران مهاجر و هیزم شکنان روستاهای ایالت واشنگتن بزرگ شده بود، و هرگز ارزش‌های طبقهٔ کارگر را از یاد نبرد. با این که هم در کنار نظافت چیان احساس راحتی می‌کرد و هم در کنار دیپلمات‌ها، گاهی حتی با همکاران

«اینجا لندن است».

- ادوارد آر. مارو، شروع در ۱۹۴۰، افتتاح رادیو سی بی اِس که از لندن پخش می‌شد.

«شب به خیر و موفق باشید.»

- ادوارد آر. مارو، شروع در ۱۹۴۰، بسته شدن رادیو سی بی اِس که از لندن پخش می‌شد.

صدای مارو، خبر ویرانی‌های ایجاد شده توسط حملات برق آسای آلمان‌ها در لندن در طی مراحل اول جنگ جهانی دوم را به قلب خانه‌های آمریکایی‌ها برد.

"اینجا لندن است." حدود سال ۱۹۴۰، شهری در محاصره، و مارو در آنجا حضور داشت تا تلاش های این شهر برای مقابله با نازی ها را بیان کند.

مارو متن‌ها را در دورهٔ فیلم‌های مستند عالی در برنامهٔ "حالا ببینید" و "CBS Reports" می‌خواند.

نزدیک خود خجالتی و عجیب می‌شد. او که استعدادی در سرهم کردن مهملات نداشت، و ادای آن را نیز نمی‌توانست درآورد، به خاطر سکوت طولانی در برابر مردم احساس گناه نمی‌کرد. افراد برجستهٔ زیادی را می‌شناخت، و پول زیادی را صرف خیریه‌ها می‌کرد، و برای دهها تن از آشنایان کار پیدا کرده بود، و با این حال فکر می‌کرد دوست واقعی ندارد.

مارو مدیر خوبی بود، و کار خود را به جای برگزار کردن جلسات و یادداشت برداری، با کسب تجربه جلو می‌برد، او در مورد تشخیص استعداد، یک داور تقریباً بی نقص بود. باهوش بود اما درخشان نبود، و همان طور که در دانشکده، رشتهٔ سخنوری خوانده بود، ذهنش دائم و با مهارت تمام کار می‌کرد. نوشته‌های اومنظم و مانند یک وکیل دعاوی، معرف موضعش بودند. آموزش، اولین حرفهٔ او و واقعاً یک آموزگار بود، همیشه دوست داشت چیز تازه ای آموخته و آن را به سرعت به دیگران منتقل کند و آن را بزرگترین کلاس درس دنیا می‌دانست. ضوابط اخلاقی وی برپایهٔ پوپولیسم و عدالت بود، او همیشه جانب مظلومان را می‌گرفت و از آدم‌های عصا قورت داده دل خوشی نداشت.

مهمتر از همه این که، مارو از چیزی واهمه نداشت. مفسر مورد علاقهٔ او، المر دیویس می‌گفت، «نگذار هیچ چیز ترا بترساند.» چیزی نبود که مایهٔ وحشت مارو بشود، نه بمب، نه دیکتاتورها، نه ژنرال‌ها، نه اعضای کنگره، یا تأمین کنندگان بودجه، مدیران شرکت‌ها، یا جوزف مک کارتی. به مارو نمی‌شد زور گفت، او را تهدید کرد، او را خرید، به او رشوه داد یا ارعابش کرد. با این حال، ممکن بود در قضاوتش اشتباه کند، کما این که در مورد فرانک استانتون (رییس شرکت CBS) این طور شد. به نفع او بود که استانتون را دشمن خبرها بداند. شش سال بعد از مرگ مارو، استانتون به دلیل خودداری از ارائهٔ صحنه‌های زائد یکی از فیلم‌های مستند «گزارش‌های CBS » موسوم به «فروش پنتاگون»، به یکی از کمیسیون‌های فرعی کنگره، با خطر محکومیت به زندان مواجه شد. اگر مارو زنده بود، حتماً او هم می‌پذیرفت که استانتون یکی از قهرمانان روزنامه نگاری آن دوره بود.

دلیل واقعی این که ما دیگر شاهد وجود شخصی مانند مارو نخواهیم بود این است که آن چه مارو را مارو کرده بود، امروزه تغییر کرده است. مارو ضابطه ای است برای مقایسهٔ همهٔ افرادی که بعد از او آمدند. وقتی انسان بدعت گذار امری می‌شود، قوانین آن را خودش تدوین می‌کند ...

مشکل می‌توان تصور کرد که مارو در جهان خبرنگاری امروز مدت زمانی طولانی طاقت بیاورد، زیرا برای عملی ساختن برنامه‌هایش به بودجه نیاز پیدا می‌کرد. در سال‌های ۱۹۸۰، زمانی که FCC (کمیسیون ارتباطات فدرال) اجبار تولید برنامه به صورت خدمات همگانی را لغو کرد، افرادی به خریدن شبکه‌های خبری مبادرت کردند که بیشتر به سود و قیمت سهام آن توجه داشتند، و لذا دستور دادند که بخش‌های خبری پولساز باشد. آنها دلیلی نمی‌دیدند که بخش‌های مربوط به خبر، مرکز درآمد زایی نباشد، درست مثل استودیوهای فیلمسازی، بنگاه‌های نشر یا سایر شرکت‌هایی که در اختیار داشتند. زمانی که اخبار جنبهٔ انتفاعی پیدا می‌کند، جوهر، خصوصیت و ظاهر آن تغییر می‌یابد. در عصر خدمات همگانی، شبکه‌ها به ساختن فیلم‌های مستند می‌پرداختند. در عصر پولسازی، فیلم‌های مستند جای خود را به فیلم‌های مختلف داده اند، برنامه‌هایی سرشار از جرم و جنایت، موضوع‌هایی دربارهٔ افراد سرشناس، فیلم‌های دلپذیر، و آخرین بیماری‌های موجود. این برنامه‌ها باید با برنامه‌های پر بیننده به رقابت بپردازند. تنها راه برای این که برنامه ای خبری با برنامه‌های پربیننده رقابت کند، این است که سرگرم کننده باشد ...

واقعیت این است که ما مارو را در زمان نیازمان به او، در اختیار داشتیم – درآغاز راه پخش اخبار از طریق رادیو و تلویزیون، قبل از این که احتیاج باشد برنامه‌های اخبار درآمد زا باشند. امروز، کم و کاست‌های این حرفه زیاد ملاحظه می‌شود، زیرا مارو استانداردها را خیلی سطح بالا تعیین کرد. امروزه، وقتی خبری مهم مطرح می‌شود و پخش اخبار آن طور که باید صورت می‌گیرد، ما شاهد میراث به جای مانده از او هستیم. مهم است به یاد داشته باشیم، زمانی بود که ما فقط برای سرگرم شدن، به رادیو یا تلویزیون روی می‌آوردیم. اگر انتظار داریم که برنامه‌هایی که از رسانه‌ها پخش می‌شوند، اطلاع رسانی کنند، به ما آموزش بدهند، و ذهن ما را روشن سازند، آن را به ادوارد مارو مدیونیم که این امر را به ما قبولاند.

باب ادواردز، خبرنگار رسانه ای، مجری «برنامهٔ باب ادواردز» است که در رادیوی ماهواره ای XM پخش می‌شود. او به مدت ۲۵ سال مجری «برنامهٔ صبحگاهی»، یکی از بهترین برنامه‌های رادیوی دولتی بوده است، یعنی از اولین دورهٔ پخش آن در سال ۱۹۷۹. بخشی که در بالا آمده با کسب مجوز از سوی ناشر آن، شرکت جان ویلی و پسران، از کتاب ادوارد ر. مارو و پیدایش برنامه‌های خبری رادیو و تلویزیون اقتباس گردیده است. حق چاپ توسط باب ادواردز ۲۰۰۴. این کتاب در همهٔ کتابفروشی‌ها موجود بوده و به صورت اینترنتی هم از طریق تارنمای ویلی در دسترس است.

به کار گرفتن رسانه‌های جدید برای تهیهٔ گزارش‌های وزین

نوشتهٔ دیوید پیتس

رئیس جمهوری سابق،هاری اس ترومان (سمت چپ) درسال ۱۹۵۷ با مارو دربارهٔ برنامهٔ عمومی تلویزیون به نام «فرد به فرد» گفتگو کرد.

اگر ادوارد مارو امروز زنده بود، چگونه او جهت خبرنگاری نوگرا از اینترنت بهره می‌گرفت؟ ما نمی‌توانیم به این سؤال پاسخ بدهیم، اما می‌توانیم بررسی کنیم او چگونه رسانه‌های جدید زمان خود را متحول ساخت: اول رادیو، و بعد تلویزیون.

هنگامی که مارو در سال ۱۹۳۵ به CBS پیوست، برنامه‌های اخبار شبکه‌های رادیویی هنوز وجود خارجی نداشت، به غیر از گزارش‌های مخابره شده و پوشش رویدادهای پراکنده که گوینده ای آنها را می‌خواند. در پایان آن دهه، مارو تیمی از گزارشگران ترتیب داده بود که از رادیو، به طور بی سابقه ای، برای ارائهٔ رویدادهایی که منجر به جنگ در اروپا شد، استفاده می‌کرد. به گفتهٔ دن راتر، یکی از گویندگان سابق خبر، مارو و افراد درجه یکی که استخدام کرده بود – که معروف به بروبچه‌های مارو بودند – «پخش اخبار را بنیان گذاردند».

طبق اطلاعاتی که موزهٔ مخابرات در اختیار قرار می‌دهد، انگیزهٔ ایجاد اخبار رادیو CBS، انضمام اتریش به آلمان توسط هیتلر در سال ۱۹۳۸ بود.

مارو، همراه با ویلیام شیرر، ریاست «خلاصهٔ اخبار اروپا « (بعدها «خلاصهٔ اخبار جهان») را به عهده گرفتند، برنامه ای که گزارشگران CBS از اقصی نقاط اروپا در آن شرکت داشتند. گزارش‌های آنان به طور زنده و از طریق امواج کوتاه به شنوندگان در وطن می‌رسید.

به گفتهٔ باب ادواردز، نویسندهٔ کتابی دربارهٔ مارو، این برنامه نه تنها دارای نکات تازهٔ متعددی بود، بلکه شامل گزارش و تحلیل آخرین خبرها نیز بود، که برای پخش اخبار،هم نشانهٔ موفقیت روزنامه نگاری محسوب می‌شد وهم موفقیت فن آوری. زمانی که جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹در اروپا آغاز شد، مارو از حملهٔ هوایی برق آسا به لندن، گزارشی زنده تهیه کرد. او گزارش خود را با عبارت «این جا لندن است» آغاز می‌کرد که عبارتی معروف شده بود.

در اوایل دههٔ ۱۹۵۰، مارو به تلویزیون منتقل شد، که در آن زمان تبدیل به رسانهٔ غالب شده بود. بیش از پرداختن به پوشش کلی خبری، مارو بدعت گذار فیلم‌های مستند بود. برنامه‌هایی که او گویندگی و اجرای آن را به عهده داشت، هنوز به دلیل نوآوری و کیفیت خود، به عنوان مراجع تاریخ پخش خبر در آمریکا مورد اشاره قرار می‌گیرند. این برنامه‌ها عبارت بودند از:

«حالا ببینید» (۵۷-۱۹۵۱) اولین برنامهٔ خبر تلویزیون. این برنامه استاندارد بررسی عمیق موضوع‌های بحث انگیز را تعیین کرد. این سلسله برنامه‌ها به دلیل پرداختن به مک کارتیسم شهرت زیادی یافته بود، و علاوه بر آن به سایر موضوع‌های داغ آن دوره هم توجه داشت، مانند تبعیض نژادی و ارتباط میان سیگار و سرطان ریه. پخش زندهٔ اولین برنامه، به طور همزمان در کرانه‌های شرق و غرب

«بیایید فقط لحظه‌ای اهمیت ایده‌ها و اطلاعات را گرامی بداریم».

- ادوارد آر. مارو، سخنرانی برای انجمن کارگردانان رادیو و تلویزیون، ۱۵ اکتبر ۱۹۵۸.

صحنه‌ای از «خرمن شرم»، فیلم مستند جنجال انگیز دربارهٔ کارگران کشاورز مهاجر که نیویورک تایمز آن را «شاهکار افشاکننده» نامید.

گروه تولیدی برنامهٔ "حالا ببینید" برای برنامه‌ای به گویندگی مارو به دنبال خوانندهٔ اوپرا، ماریان اندرسن، در سال ۱۹۵۷ به یك گردش خیرخواهانهٔ سه ماهه به جنوب شرقی آسیا رفت.

ایالات متحده انجام گرفت.

«رو در رو» (۶۱-۱۹۵۳) در این سلسله برنامه‌ها مارو - در استودیو- با شخصیت‌های سرشناس و معروف در خانهٔ خودشان مصاحبه می‌کرد. مهمانان این برنامه متنوع بودند، از مرلین مونرو تا رییس جمهور پیشین،هاری ترومن، و جان اشتاین بک، نویسنده. این اولین بار بود که از فن آوری، به این صورت استفاده می‌شد، و برای بینندگان جذابیت زیادی داشت.

«دنیای کوچک» (۸۹-۱۹۵۸) این برنامه واقعاً از زمان خود جلوتر بود: برنامه ای جهانی که اندیشمندان و خبرسازان را از سراسر جهان گرد می‌آورد و آنها در گفتگویی شرکت می‌کردند که ریاست جلسه را مارو به عهده داشت. این برنامه با استفاده از مکالمات تلفنی ماورای اقیانوس و فیلمبرداری همزمان به اجرا در می‌آمد.

«گزارش‌های CBS» (۱۹۷۱-۱۹۶۰ به طور نا منظم) مارو پیشگام برنامه ای یک ساعته با موضوعی واحد بود که به زودی تبدیل به موضوع عمدهٔ شبکهٔ نوپای تلویزیونی شد. یکی از برنامه‌های آن موسوم به «خرمن شرم»، دربارهٔ کارگران کشاورز مهاجر-

هنوز به عنوان یکی از درخشان ترین نمونه‌های کار تحقیقاتی در تلویزیون، در مدارس خبر نگاری به نمایش درمی‌آید.

همان طور که از این نمونه‌ها پیدا است، مارو یک مخترع بود، اما در عین حال آگاه بود که در یک رسانهٔ تجارتی کار می‌کند که نیاز به جلب هر چه بیشتر مخاطب و بیننده دارد. او همیشه در جستجوی فنون تازه ای برای جلب توجه بینندگان بود. مارو قطعاً امکانات امروزی را با وجود تلویزیون کابلی، ماهواره، اینترنت، و دستگاه‌های دستی وجیبی می‌ستود.میراث مارو به منزلهٔ نوآوری درکار و پخش رسانه‌ها، گویای جایگاه منحصر به فرد او در پخش اخبار آمریکا نیست. غالب کارشناسان بر سه کیفیت مهم رسانه‌ها، قدیمی یا جدید، چاپی، پربیننده یا کم بیننده، یا حتا بلاگ، تأکید دارند، اتخاذ یک موضع مستحکم، تا جایی که به گزارشگری ارتباط پیدا می‌کند، اعتقاد راسخ به آزادی مطبوعات در خدمت خبرنگاری متعهد، و اعتقاد به این که کلمات اهمیت دارند، چه باتصویر همراه باشند و چه نباشند.

دیوید پیتز خبرنگاری است که با معتبر ترین روزنامه‌های آمریکا همکاری کرده است، از جمله واشنگتن پست وکریسچین ساینس مانیتور. او در بخش اخبار رادیویی هم سابقهٔ کار دارد.

دانشجویان در حال ورود به کلاس در دانشکدهٔ ارتباطات ادوارد آر. مارو، دانشگاه ایالتی واشنگتن

مارو در مقابل مک کارتی: "حالا ببینید"

نوشته مایکل جی. فریدمن

روزهای رادیو: مارو (در وسط) و تولید کنندهٔ سی بی اِس، فرد دابلیو فرندلی، در سمت راست، از رادیو به تلویزیون آمدند و نوع فیمل‌های مستند خبری را رواج دادند.

شاید ادوارد آر. مارو امتیاز وارد کردن اولین ضربه را به جوزف مک کارتی کسب نکرده باشد، اما وی ضربه ای تعیین کننده وارد آورد. به همین خاطر او همواره به طور جدایی ناپذیری با سناتور ایالت ویسکانسین مرتبط خواهد بود و آمریکایی‌ها او را در مقام قهرمان آزادی به یاد خواهند آورد .

مخالفت با کمونیسم همزمان با حفظ آزادی‌های بنیادی سیاسی، چالش‌های جدی ایجاد کرد.

افراد آمریکایی وجود داشتند که عضو یا حامی حزب کمونیست ایالات متحده بودند، که از لحاظ سیاسی نسبت به اتحاد جماهیر شوروی وفادار بودند، نه به ایالات متحده. اما آمریکایی‌های دیگری نیز به ناحق متهم به حمایت یا طرفداری از کمونیسم، و به غلط به خیانت علیه ایالات متحده شدند. برای دولت آمریکا و دیگر سازمان‌ها – از کارفرمایان تا دانشگاهها - تشخیص و تمیز میان آنهایی که تهدید واقعی برای ملت بودند و آنهایی که بی گناه بودند بسیار مشکل بود.

جوزف مک کارتی، سناتورکوچک آمریکایی از ویسکانسین، از فضای رایج بهره جست تا یک سلسله تحقیقات از طریق استماعات عمومی کمیتهٔ مجلس سنا در مورد نفوذ احتمالی کمونیست‌ها به نهادها و موسسات آمریکایی به ویژه در میان نظامیان و اهل مطبوعات برپا کند.

افرادی که مشکوک به پیوندهای کمونیستی بودند در برابر کمیسیون فرعی وی احضار شدند، پرخاشگرانه در مورد مشارکت در حزب کمونیست مورد بازجویی قرار گرفتند و سخت تحت فشار بودند تا از کمونیست‌های دیگر نام ببرند. با این که آرشیو اتحاد جماهیر شوروی سابق و ره گیری‌های ایالات متحده از ارتباطهای جاسوسی شوروی بعدها مقداری اقدام نفوذی را ثابت کرد. اما تلاش‌های غالبا بی رحمانهٔ مک کارتی، حرفه‌های بسیاری را نابود کرد و به زندگی بسیاری افراد صدمه زد. مک کارتی که همواره یک چهره جنجالی بود، چند صباحی از محبوبیت چشمگیری برخوردار بود. هر چند، سرانجام، مبارزات وی به نحوی موثرتحقیقات ضد کمونیستی را در بین آمریکایی‌ها بسیار بی اعتبار کرد.

مارو خود ضد کمونیست بود، اما به مک کارتی هم مشکوک بود. مارو در اوایل سال ۱۹۵۰ صدایش از رسانه‌ها پخش شد و اظهار داشت، «شهادت عموم بیشتر متمایل به این جهت است که تا کنون، اتهامات سناتور مک کارتی ثابت نشده اند. «اما این اتهامات، ثابت شده یا نشده، همچنان ادامه پیدا کردند و به ایجاد فضایی که در آن بسیاری از مک کارتی

«ما خود را به عنوان مدافعان آزادی در خارج از کشور اعلام می‌کنیم – که در واقع نیز چنین است- اما نمی‌توانیم با بی توجهی به آزادی در کشور خودمان، از آن در کشورهای دیگر دفاع کنیم».

- ادوارد آر. مارو، برنامهٔ «حالا ببینید» تلویزیون سی بی اِس، ۹ مارس ۱۹۵٤.

از چپ به راست: بازرس فرانسیس کار، سناتور جوزف مك کارتی، و حقوقدان روی کوهن، در استماع دادرسی ارتش-مك کارتی، ۱ مه ۱۹۵٤، که جرقهٔ آن با اتهامات پیچیده‌ای که از سوی سناتور علیه ارتش آمریکا ایراد گردید، زده شد. پوشش تلویزیونی این رخداد به تند شدن روند سقوط مك کارتی کمك نمود.

سناتور مك کارتی به نقشه ای با عنوان «سازمان حزب کمونیست در آمریکا، ۹ فوریه ۱۹۵۰» اشاره می‌کند، ۹ ژوئن ۱۹۵٤.

و کمیتهٔ تحقیقات سنا هراس داشتند، کمک کردند. در تاریخ ۹ مارس ۱۹۴۵، مارو که در آن زمان معتبرترین روزنامه نگار آمریکایی بود با این سناتور درگیر شد وبه افشاگری دربارهٔ شیوه‌های کار او پرداخت.

به تدریج، هراس مارو از این که وجودِ مک کارتی آزادی‌های مدنی را واقعاً تهدید می‌کند، به عزمی برای استفاده از مجموعه مستند تلویزیونی اش به نام «خودتان مشاهده کنید» علیه سناتور تبدیل شد . در آن زمان، گویندگان آمریکایی تحت پوشش «دکترین بی طرفی « بودند که از دارندگان مجوز گویندگی می‌خواست که مسائل مورد اختلاف و متعارض را به شیوه ای صادقانه، برابر و متعادل ارایه کنند و برای اشخاص یا گروه‌های مورد انتقاد در طی چنین برنامه تلویزیونی فرصت پاسخ زندهٔ رسانه ای را فراهم کنند. مارو و فردفرندلی، تهیه کنندهٔ برنامه اش، برنامه نیم ساعته ای آماده کردند که فقط بر مک کارتی و روش‌هایش تمرکز داشت. آنها دریافتند که شبکه ی «سی بی اس» نیم ساعت از ساعت‌های پربیننده را در برنامه تلویزیونی جداگانه به سناتور برای رد نظرات مارو اختصاص خواهد داد. همچنینٍ متوجه شدند که مک کارتی احتمالاً به خود مارو حمله شخصی خواهد کرد. با این حال، مارو می‌دانست که در برنامهٔ تلویزیونی یک روزنامه نگار ماهر و تیم آگاه از فن آوری مشتمل بر ویراستاران، نویسندگان و تهیه کنندگان، از امتیازو برتری واقعی برخوردارند. آنان می‌توانند کم جلوه ترین بخش‌های ویدیویی را انتخاب کنند، اظهارات ضد و نقیض و اتهامات مک کارتی را کنارهم بگذارند و کلاً با استفاده ازمهارتهایشان سناتور را در نوری بی جلوه به نمایش بگذارند. مارو هراس داشت که مبادا روزنامه نگاران کم صداقت از این شیوه سوء استفاده کنند، اما باور داشت که وجود مک کارتی تهدیدی فوری و اضطراری است و این که مردم آمریکا، وقتی با حقیقت روبه رو شوند، مک کارتی را طرد خواهند کرد.

برنامهٔ تلویزیونی مارو گزیده ای از سخنان خود سناتور بود و اظهار نظرهای مارو در ضمن آنها گنجانده شده بود تا تضادهای سخنان مک کارتی را خاطر نشان سازد و حرف‌های مک کارتی را ماهرانه علیه خودش به کار برد. نیکولاس لمن، رئیس دانشکدهٔ روزنامه نگاری دانشگاه کلمبیا، رفتار مارو را این گونه توصیف کرد:«جذبه ای داشت که به طرز چشم گیری مهار می‌شد، جذاب و خویشتن دار بود – برخوردی که از هر لحاظ تاثیر گذار است چرا که مردم می‌دانستند وی می‌توانست جلوی دوربین خوش مشرب و بی تکلف باشد.» حرف‌های مارو چنین خشم مهار شده ای را منعکس می‌کرد:

مرز بین تحقیق و اعلام محکومیت بسیار ناچیز است و این سناتور اهل ویسکانسین بارها از آن تجاوز کرده بود ... باید همواره به یاد داشته باشیم که اتهام، مدرک نیست و این که محکومیت به شاهد و سند احتیاج دارد و از طریق روند قانون اعمال می‌شود. ما نباید در هراس از یکدیگر به سر بریم. نباید هراس ما را به سمت بی منطقی سوق دهد ... ما از جمله مردان ترسو نیستیم – آنها از نوشتن، صحبت و معاشرت در مورد مردانی و نیز از آرمان‌هایی می‌ترسیدند که در زمان معینی مورد بی مهری بودند. اکنون زمان آن نیست که مردانی که با روش‌های سناتور مک کارتی مخالفند ساکت بمانند.

وقتی که این برنامهٔ تلویزیونی به پایان رسید، شبکهٔ سی بی اس غرق در تلگرام، تماس‌های تلفنی و نامه شد. واکنش‌ها به نسبت ۱۵ به یک به نفع مارو بود. بالعکس سخنان مک کارتی در همین مقدار زمان فاجعه آمیزبود. مشخص بود که در استودیو تلویزیونی معذب بود، و همان طور که مارو اشاره کرده بود، آماده ابراز اتهامات شدید همراه با خشونت، که نامیدن مارو به عنوان «سردستهٔ شغال‌ها» بیانگر آن بود. میلیون‌ها آمریکایی که برنامه را در منزل تماشا می‌کردند، اکنون به اندازهٔ کافی آگاه شده بودند. نفوذ سیاسی مک کارتی به سرعت زوال یافت. در تاریخ دوم دسامبر ۱۹۵۴، سنای آمریکا رسماً قطع نامه ای را تصویب کرد که ضمن آن مک کارتی را به خاطر رفتار ناشایست در مقام یک سناتورتوبیخ و محکوم می‌کرد.

مایکل جی فرید من از اعضای هیئت تحریریه در دایره برنامه‌های اطلاعاتی بین المللی وزارت امور خارجه آمریکا است.

میراث مارو

اعتقاد پر شور و حرارت «ادوارد آر. مارو» به دموکراسی آمریکایی، شجاعت و پشتکارش در جستجوی حقیقت و گزارش آن، و وقف کردن خود در راه روزنامه نگاری به عنوان ابزاری اساسی در روند سیاسی دموکراتیک، هنوز هم از سوی سازمان‌ها و نهادهای بسیار، مورد سپاسگزاری و احترام است. این ارزش‌ها در جوایز و برنامه‌هایی که در ایالات متحده و خارج این گزارشگر بزرگ را گرامی می‌دارند، نیز انعکاس می‌یابند. فهرست زیر فقط نمونه ای از میراث مارو و اعتباری است که او امروزه هنوز در بین بسیاری از آن برخوردار است.

The Edward R. Murrow Center of Public Diplomacy, The Fletcher School, Tufts University
http://fletcher.tufts.edu/murrow/index.html

Murrow School of Communication, Washington State University
http://murrow.wsu.edu/influence.html

Reporter›s Committee for Freedom of the Press
http://www.rcfp.org/

Committee of Concerned Journalists
http://www.journalism.org/who/ccj/default.asp

Edward R. Murrow Award for Excellence in Public Diplomacy, U.S. Department of State/ The Fletcher School
http://fletcher.tufts.edu/murrow/index.html

Edward R. Murrow Award for Outstanding Contributions to Public Radio, Corporation for Public Broadcasting
http://www.cpb.org/aboutpb/awards/murrow/

Edward R. Murrow Awards, Radio-Television News Directors Association
http://www.rtnda.org/pages/media_items/edward-r.-murrow-awards100.php

---

وزارت امور خارجه آمریکا هیچ مسئولیتی در قبال محتویات و در دسترس بودن منابع از دیگر آژانس‌ها و سازمان‌های ذکر شده در بالا ندارد. تمام لینک‌های اینترنتی از بهار ۲۰۰۶ فعال بوده اند.

کتاب شناسی: ادوار آر. مارو

Web Sites

Edward R. Murrow on American Masters, PBS
http://www.pbs.org/wnet/americanmasters/database/murrow_e.html

Murrow on Press and the People
http://www.wgbh.org/article?item_id=2706452

Museum of Broadcast Communications, Edward R. Murrow
http://www.museum.tv/archives/etv/M/htmlM/murrowedwar/murrowedwar.htm

Radio News: Murrow audio clips
http://www.otr.com/murrow.html

The U.S. Department of State assumes no responsibility for the content and availability of the resources from other agencies and organizations listed above. All Internet links were active as of Spring 2006.

Kendrick, Alexander. Prime Time: The Life of Edward R. Murrow. Boston, MA: Little, Brown, 1969.

Lemann, Nicholas. «The Murrow Doctrine.» The New Yorker, v. 81, no. 44 (January 23, 2006): pp. 38-43.

Lichello, Robert. Edward R. Murrow, Broadcaster of Courage. Charlottesville, New York, NY: SamHar Press, 1971.

Neuharth, Allen H. «The State of News Standards Today Compared With Those in the ‹Golden Age.›» Editor and Publisher, v. 127, no. 9 (February 26, 1994): pp. 54(2).

Persico, Joseph E. Edward R. Murrow: An American Original. New York, NY: McGraw-Hill, 1988.

Rather, Dan. «Call It Courage; Act on Your Knowledge.» Vital Speeches of the Day, v. 60, no. 3 (November 15, 1993): pp. 78(4).

Smith, Robert Franklin. Edward R. Murrow: The War Years. Kalamazoo, MI: New Issues Press, 1978.

Sperber, A.M. Murrow: His Life and Times. New York, NY: Freundlich, 1986.

Wald, Malvin. «Shootout at the Beverly Hills Corral: Edward R. Murrow versus Hollywood.» Journal of Popular Film and Television, v. 19, no. 3 (Fall 1991): pp. 138(3).

– Edward R. Murrow, Beginning in 1940, the closing of CBS radio broadcasts from London

Cloud, Stanley and Lynne Olson. The Murrow Boys. Boston, MA: Houghton Mifflin Co., 1996.

Cohen-Almagor, Raphael. The Scope of Tolerance: Studies on the Costs of Free Expression and Freedom of the Press. New York, NY: RoutledgeCurzon, 2005.

DeFleur, Lois B. and Betty H. Winfield, eds. The Edward R. Murrow Heritage: Challenge for the Future. Ames, IO: Iowa State University Press, 1986.

Edwards, Bob. Edward R. Murrow and the Birth of Broadcast Journalism. Hoboken, NJ: Wiley, 2004.

Edgerton, Gary. «The Murrow Legend as Metaphor: The Creation, Appropriation, and Usefulness of Edward R. Murrow›s Life Story.» Journal of American Culture v. 15, no. 1 (Spring 1992): pp. 75-91.

Fairlie, Henry. «Murrow: His Life and Times.» The New Republic, v. 195, (August 4, 1986): pp. 33(4).

Friendly, Fred. Due to Circumstances Beyond Our Control. New York, NY: Vintage Books, 1967.

Grossman, Lawrence K. «Murrow Said It All in 1958.» Columbia Journalism Review, v. 41 (May-June 2002): p. 53.

ادوارد آر. مارو

اوج خبرنگاری

وزارت امور خارجه ایالات متحده

ادارهٔ برنامه های اطلاعات بین المللی

www.america.gov/persian